اخبار

مهدویان:

جامعه ما براحتی قهرمان‌ها را باور نمی‌کند

محمدحسین مهدویان گفت: ما در سینمای جنگ با شرایطی مواجه هستیم که متقاعد کردن مخاطب کار بسیار سختی است. به گزارش مهر، مهدویان گفت: این روزها بسیاری از افراد به من می‌گویند در آمریکا ضدقهرمانی مانند «تک‌تیرانداز» تبدیل به یک قهرمان می‌شود چرا ما نباید قهرمان‌های خود را در قالب آثار سینمایی معرفی کنیم. در واقع مسائل بسیاری وجود دارد که می‌توان در سینمای امروز جنگ به تصویر کشید اما این مسائل به قدری افسانه‌گونه است که من ترسیدم آن را به تصویر بکشم چراکه ممکن است بسیاری از مخاطبان آن را باور نکنند. کارگردان «ایستاده در غبار» ادامه داد: کانتکس جامعه ما با جامعه آمریکایی فرق می‌کند. در جامعه آمریکایی سوپرمن و بتمن را قبول می‌کنند اما در ایران به آن می‌خندند. جامعه ما از قهرمان‌ها فاصله گرفته و تلخ و بدبین شده است؛ جامعه‌ای که دارای جوان‌هایی است که به همه چیز شک می‌کنند زیرا ما در دوران تلقین روایت‌های تاریخی هستیم. وی افزود: در این میان جریانی وجود دارد که در حال افشاگری و افزایش خودآگاهی در شبکه‌های اجتماعی است. جوان‌های امروز درباره مسائل بدیهی نیز شک می‌کنند و گاهی شاهد تحلیل‌های عجیب و غریب میان آنها هستیم و در چنین فضای پر از سوءظن بسیار سخت است درباره قهرمان‌هایی که در طول این ۳۰ سال مصرف شده‌اند، صحبت کنیم. وی ادامه داد: در این میان بسیاری از افراد به من می‌گویند چرا درباره قهرمان‌های جنگ فیلم می‌سازم و من می‌گویم این جنگ رخ داده است و این شخصیت‌ها باید به جامعه معرفی شوند. این قهرمان‌ها هم آدم‌هایی از همین جامعه بودند با این تفاوت که جوان‌های امروز ما زندگی می‌کنند و می‌توانند اعتراض کنند، اما این قهرمانان دیگر نمی‌توانند اعتراض یا عصیان کنند. این درحالی است که همین قهرمان‌ها از جوان‌های امروز ما عصیانگرتر و پرشورتر بودند؛ جوانانی که تا پای جان خود بر سر اعتقادات‌شان ایستادند.

■■■

عباسیان به روحانی نامه نوشت

آبروی من را برده‌اند، رسیدگی کنید

محمدرضا عباسیان از رئیس‌جمهور خواست تا شروع‌کننده باشد و نوشت: آقای رئیس‌جمهور! شما شروع‌کننده برخورد با هتاکان و تهمت‌زنندگان باشید. به فرموده‌تان اولین کسی باشید که یک هتاک را منزوی می‌کنید. به گزارش فارس، محمدرضا عباسیان در نامه‌ای خطاب به روحانی نوشته است: آقای ایوبی، معاون سینمایی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت شما چندی پیش در اقدامی با انگیزه نامعلوم تهمت بزرگی به من روا داشته که با بهره‌گیری از فضای رسانه‌ای در اختیارشان حیثیت و آبروی شخصی، خانوادگی و حرفه‌ای من را از بین برده‌اند. ایشان با انتشار گزارشی کذب که با تنها چند دقیقه بررسی محتوای آن می‌توانستند به غیرواقعی بودنش پی ببرند من را متهم کرده‌اند که در طول ۳۴ ماه مدیریتم در وزارت ارشاد بیش از یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان حقوق و مزایا و حق ماموریت دریافت کرده‌ام در حالی که دریافتی واقعی من تنها حدود ۳۰۰ میلیون تومان بوده است، یعنی نزدیک به یک میلیارد و یکصد میلیون کمتر از ادعای کذب ایشان می‌باشد. این نامه می‌افزاید: جناب رئیس‌جمهور! آبروی شخصی، خانوادگی و حرفه‌ای که من طی ۲۵ سال کار صادقانه کسب کردم با یک تهمت ناروای آقای ایوبی و همکاران‌شان که نمی‌دانم ناشی از چه غرض‌ورزی است و در ادامه بازنشر گسترده و میلیونی رسانه‌ای به باد رفته است. این نامه می‌افزاید: به تدبیری که وعده‌اش را داده بودید از شما می‌خواهم به ظلمی که به من روا شده رسیدگی کنید.

■■■

«مثل هیچ‌کس» در بازار کتاب

رمان «مثل هیچ‌کس» نوشته سپیده خلیلی با تصویرگری لاله ضیایی در نوبت چاپ اول وارد بازار کتاب شد. به گزارش فارس، موضوع این رمان خانواده‌ای ۳ نفره است که منتظر به دنیا آمدن فرزند دوم‌شان هستند. بعد از تولد نوید، آنها می‌فهمند او مثل هیچ کس نیست و بعد از آن ماجراهایی برای این خانواده رخ می‌دهد که جذاب و خواندنی است. این داستان، داستان تفاوت‌هاست. مؤسسه انتشارات قدیانی، کتاب «مثل هیچ کس» اثر سپیده خلیلی را در نوبت چاپ اول در شمارگان ۲هزار و ۲۰۰ نسخه در ۱۲۸ صفحه و با قیمت ۹هزار تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است.

نگاهی به تازه‌ترین ساخته مایکل مور؛ «Where to Invade Next»

دیگه کجا رو بگیریم؟!

مرتضی اسماعیل‌دوست: مایکل مور، فیلمساز جنجالی بعد از ۶ سال با فیلم جدیدش حمله‌ای آتشین به قلب مناسبات سیاسی آمریکا داشته است اما تفاوت این تهاجم با حملات بی‌شمار سران آمریکایی در نوع تصوری است که نسبت به مفهوم زندگی وجود دارد و مایکل مور سعی داشته به شکلی عملی و طی یورشی مستندگونه به کشورهای دیگر به ماهیت واقعی پیروزی جلوه‌ای متمایز ببخشد. مور این بار پرچم آمریکا به دست، همچون ارتش یک نفره ایالت متحده به کشورهای مختلف حمله می‌کند اما این تهاجمش نه در راستای حصول به منابع نفتی یا ذخایر مالی و نه در راستای قدرت‌طلبی چونان که سردمداران غربی در سال‌هایی متمادی صورت دادند بلکه جهت تصاحب یافته‌های علمی، آموزشی، بیولوژیک و رفاهی کشورهای دیگر بوده است. در واقع فیلمساز همیشه معترض آمریکایی این بار از همان ایده فیلمش خواسته طعنه گزنده‌ای به سردمداران قدرت‌طلب آمریکایی بزند و جاه‌طلبی‌های آمریکایی را از حیث کشورگشایی به سخره گیرد و این نگره را در اثر مستندگونه‌اش به توجه سیاستمداران جهانی برساند که می‌توان به جای کشورگشایی به جهانی‌اندیشی رسید. فیلم «دیگه کجا رو بگیریم» (Where to Invade Next) سفرنامه مایکل مور است به چند کشور اروپایی و آفریقایی برای دستیابی به ایده‌های ارزنده‌ای که در کشورهای مختلف جهت رفاه مردم در نظر گرفته شده است و فیلمساز در این سفرها به نوع زیست مردمان در کشورهای ایتالیا، فرانسه، اسلوونی، پرتغال، آلمان، نروژ، تونس و ایسلند به شکلی مستندوار نظر دوخته و در میان بررسی‌های خود به اختلاف فاحش و نازل سطح رفاهی مردم آمریکا با جوامع دیگر و مغایرت ناشی از خدمات محدود رفاهی دولت آمریکا نسبت به کشورهای دیگر رسیده است. در این میان بخشی از وجوه فعالیتی کشورها در هر سفر مدنظر فیلمساز قرار می‌گیرد و از وضعیت مناسب اشتغال در ایتالیا تا تغذیه جالب توجه فرانسوی‌ها و از وضعیت آموزشی رایگان دانشگاه‌های اسلوونی تا شرایط متمایز محکومیت قضایی در نروژ و نحوه سیاست صنعتی آلمان از جمله موارد حیرت‌آور برای فیلمساز آمریکایی است که آنها را به عنوان غرامتی فکری برای کشورش توشه برمی‌دارد و در پایان هر سفر نیز با به اهتزاز درآوردن پرچم آمریکا نیش گزنده خود را برای سیاستمداران آمریکایی به این معنا برپا می‌دارد که استواری یک کشور در گروی حصول به یافته‌های علمی است نه کشورگشایی‌ها و غارتگری‌هایی که نیستی برای مردمان به همراه دارد. از طرفی در میان سفرهای سرخوشانه باز هم نگاه کمیکی که مایکل مور نسبت به پدیده‌های جنگ‌افروزانه دارد، سر باز می‌زند که برخی از آنها به شکلی گیرا در خدمت اثر بوده و برخی نیز از فیلم بیرون می‌زند. در واقع فیلم ۱۱۰ دقیقه‌ای «دیگه کجا رو بگیریم» در عین داشتن طرح‌های خلاقانه فیلمساز در مواردی دچار زیاده‌گویی می‌شود و در نگاهی کلی نمی‌تواند وحدت ساختاری خود را حفظ کند. در حقیقت ایده اولیه چنان فیلمساز را درگیر خود کرده که نتوانسته در این سفرنامه تصویری، طرح‌های از پیش تعیین‌شده و استراتژی هدفمندی را در پیش بگیرد و این نگره مستندگونه آثار مایکل مور که در تلفیق با روایتی داستانی قرار دارد، در برخی موارد مسیرهای نامتقارنی را در پیش می‌گیرد. در فیلم «دیگه کجا رو بگیریم» نیز گزینه‌های مورد نظر فیلمساز که افرادی انتخابی از بدنه پرداختی فیلم هستند، حکم موادی خام را برای طرح مباحث برعهده دارند و در این بین گاه نخ تسبیح میان خرده‌روایت‌های فیلم گم می‌شود. البته اصولا خط باریکی که میان اینگونه آثار به لحاظ نگاهی مستندوار و فرمی داستانی وجود دارد و ژورنالیستی بودن فرم آثار کاوش‌گرایانه مایکل مور در برخی ساخته‌هایش نوعی هرج و مرج ساختاری را پدید می‌آورد که در آخرین اثر این فیلمساز هم به چشم می‌خورد. از این رو برخی سفرهای مور در فیلم «دیگه کجا رو بگیریم» که جنبه مستند گزارشی دارد در تلطیف با روحی قصه‌گو ترکیب جالبی را پدید می‌آورد که از جمله آنها بخش اسلوونی است و در برخی سفرها به شکلی شتاب زده عمل کرده و نوعی رخوت را در بافت اثر به دنبال دارد. با این حال سرخوشی‌های فیلمساز در لابه‌لای بسیاری از گفت‌وگوها خود را پدیدار می‌کند و ایده‌های جذاب و طعنه‌وار مایکل مور در کنار طنازی‌های وی تبدیل به محرکه‌ای دلنشین برای تماشا می‌شود. برای نمونه مور در گفت‌وگویی که با رئیس‌جمهور اسلوونی دارد هنگامی که به تناقض در تعداد حروف زبان اسلوونیایی با آمریکایی می‌رسد و حرف «w» را غایب در میان حروف آنها می‌یابد، به کنایه‌ای دلنشین از پرزیدنت سوال می‌کند که شما بعد از روی کار آمدن بوش این حرف را حذف کردید؟! از این دست طعنه‌های جذاب و کنایه‌وار در سراسر فیلم و در همه آثار مایکل مور می‌توان یافت و همین عناصر موجب جذابیت در میان نگاه تند سیاسی فیلم‌هایش می‌شود. البته در این فیلم عدم وجود پشتوانه فکری در همه سفرها و طویل بودن بررسی‌های فیلمساز که گاه زیاده از حد می‌نماید، در مواردی تب و تاب تماشا را از مخاطب دور می‌کند.

افخمی: ما ذخیره انقلاب نیستیم

برنامه سینمایی «هفت» جمعه شب ۱۵ مردادماه با موضوع سینمای ورزشی روی آنتن شبکه ۳ سیما رفت و با انتقادات تند بهروز افخمی درباره فیش‌گیت دروغین درباره این برنامه همراه بود. به گزارش «وطن امروز» بهروز افخمی، مجری «هفت» در ابتدای این برنامه در واکنش به برخی رسانه‌ها که هفته گذشته دست به انتشار برآورد مالی ساختگی از این برنامه زدند، گفت: حدود ۲ هفته پیش برخی سایت‌های سینمایی زرد تصمیم گرفتند برنامه سینمایی «هفت» را بایکوت کنند و اعلام کردند دیگر چیزی در رد یا تایید این برنامه نخواهند گفت. وی ادامه داد: اما همان سایت‌ها چند روز پیش تصمیم گرفتند در قالب فیش گیت ما را هم دخیل در فیش‌های نجومی برخی افراد کنند که به تعبیر معاون رئیس‌جمهور «جزو ذخایر انقلابند!» غافل از اینکه ما ذخیره نیستیم و در صحنه هستیم! آنها در این اسناد به دروغ ارقامی را به عنوان رقم دریافتی برنامه «هفت» و حقوق من در این برنامه نسبت دادند که یک بیستم این ارقام را ما دریافت می‌کنیم. افخمی ادامه داد: اما وقتی توضیح و تکذیبیه ما درباره این دروغ منتشر شد، این رسانه‌های مدعی آزادی بیان و به اصطلاح اصلاح‌طلب، لیبرال یا هرچه، قرار گذاشته‌اند توضیح و تکذیب ما را منتشر نکنند. کار این جماعت با دروغ پیش می‌رود و به این فکر نمی‌کنند بعد از مدتی مخاطبان عاقل خود را از دست می‌دهند و به مرور تعداد کسانی که به این سایت‌ها مراجعه می‌کنند کم و کمتر می‌شود. به هر حال همچنان این شایعات درباره من، احسان علیخانی یا عادل فردوسی‌پور و دیگر مجریان رسانه ملی ادامه دارد و نمی‌توان کاری کرد. وی در پایان گفت: ما نیز از این پس خیال نداریم از آنها صحبت کنیم. اگر آنها تمام تلاششان این است که توجه ما را به خود جلب کنند حتی به قیمت حرف‌های دروغ زدن اما ما آنها را بایکوت خواهیم کرد! و این آخرین باری است که از آنها حرف زدیم...

شعر

سروده تازه علی‌محمد مؤدب در پاسداشت شهید حاج رجب محمدزاده

خلاصه همه بغض‌های تاریخم

حاج رجب محمدزاده چند روزی است به خیل یاران و دوستان شهیدش پیوسته است. به گزارش «وطن‌امروز»، علی‌محمد مؤدب در سروده‌ای به این بسیجی بی‌ادعا پرداخته و شهادت او را بهانه‌ای کرده برای بیان برخی مسائل که این روزها جامعه بیش از هر زمان دیگری با آن درگیر است: مذاکره با غرب. مؤدب پیش از این گفته بود: تنها یک حاج رجب محمدزاده برای یک عمر شاعری کافی است. کاش ماهیان شعر به چشمه‌سارها و دریاهای حقیقی‌شان بازگردند و از لولیدن در جوی‌های حقیری که به گودال‌ها می‌ریزند بگریزند. کاش پرندگان شعر از آسمان‌های دروغین فیسبوک و لایک آزاد شوند و بتوانند غروبی یا صبحی کنار پنجره حاج رجب‌ها بنشینند. کاش به جای حرف‌های زرد و سیاه، سبزها و سرخ‌ها را ببینند...

سروده مؤدب به این شرح است:

مرا مبین که چنین آب رفته لبخندم
هنوز غرقه امواج سرد اروندم
در این شبانه که غواص درد مواجم
به دستگیری یاران رفته محتاجم
کسی نگفته و مانده است ناشنیده کسی
منم شبیه کسی، آنکه خواب دیده کسی
منم شمایل داغی که شرقیان دیدند
گلی که در شب آشوب، غربیان چیدند
منم شبیه به خوابی که این و آن دیدند
برای این همه مه‌پیکر جوان دیدند
منم که با سند زخم اعتبار خودم
منم که چهره تاریخی تبار خودم
شبیه سوختن ایل داغدار خودم
منم که با سند زخم اعتبار خودم
پری نموده و بر پرده‌ها فریب شده
فریب غرب مخور کاینچنین غریب شده
ستاره‌ها و پری‌های سینما منگر
به چشم غارنشینان چنین به ما منگر
دروغ این همه رنگش تو را ز ره نبرد
شلوغ شهر فرنگش دل تو را نخرد!
سخن مگو که چنین و چنان به زاویه‌ها
مرو به خیمه تاریک این معاویه‌ها
مبر حکایت خانه به کوی بیگانه
مگو به راز، به دیوان، حکایت خانه
اگرچه درد زیاد است و حرف‌ها تلخ است
بهل که بگذرم از شکوه، ماجرا تلخ است
اگرچه حرف زیاد است و حرف شیرین است
ببین به چهره‌ی من برد- بردشان این است
اگر نبود به کف تیغ من که تیزتر است
کجا ز طفل یمن طفل من عزیزتر است
مگر نه طفل من است این گلی که در یمن است
چرا فشردن دستی که بر گلوی من است؟
بهشت مردم شرقم، به غرب کی نگرم؟
دخیل کربلایم، کجا به ری نگرم؟
چرا که مشق کنم، خط تیغ حرمله را؟
چرا به گندم ری بازم این معامله را؟
ببین به من که برای جهان چه می‌خواهند
برای این همه پیر و جوان چه می‌خواهند
برای پیری این کودکان چه می‌خواهند
منم بلاغت تصویر آنچه می‌خواهند
گمان مبر که من سوخته ز مریخم
خلاصه همه بغض‌های تاریخم
بگو به دشمن تا گفت‌وگو به من آرد
پی مذاکره بگذار رو به من آرد
ز خنده‌های شما اخم من جمیل‌تر است
منم دلیل شما، زخم من جلیل‌تر است
بایست! قوت زانوی دیگران مطلب!
به غیر بازوی خویش از کسی امان مطلب!
به ضربه سم اسبان به روز جنگ قسم
به لحن داغ‌ترین خطبه تفنگ قسم
که جز به تابش شمشیر، صبح ایمن نیست
چراغ‌های توهم همیشه روشن نیست
کجا به بره دمی گرگ‌ها امان دادند؟
کجا که راهزنان گل به کاروان دادند؟
مگر نه شیوه فرعون‌شان رجیم‌تر است
در این مناظره، موسای تو کلیم‌تر است؟
مکن هراس ز من، نامه امان توام
چراغ شعله‌ور عیش جاودان توام
به دیدگان وصالی در این فراق نگر
به کودکان ستمدیده عراق نگر
نه کدخدا به تو این قریه رایگان داده
به خط خون من این مرز را امان داده
نه چشم مست تو شرط ادامه صلح است
دهان سوخته‌ام قطعنامه صلح است
کنون که غرقه لطفم، مرا سراب ببین
مرا در آینه رجعت آفتاب ببین
جهان ز موج تو پر شد، خودت جزیره مباش
یمن اویس شد اکنون، تو بوهریره مباش!
چه گویمت که از این بیشتر نباید گفت!
به گوش بتکده غیر از تبر نباید گفت

ایثار

۴ جمله کلیدی یک روس در تجلیل از شهدای دفاع‌مقدس

اجلاس سه‌جانبه ایران، عراق و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران برگزار شد. در حاشیه این اجلاس از خانواده‌های ۳ شهید اخیر تفحص شهدا، شهیدان فرزاد زنگنه، علیرضا شمسی‌پور، محمد پازوکی و جانباز تفحص، علیرضا گل‌محمدی تجلیل شد. به گزارش تسنیم، سردار باقرزاده، فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودان ستاد کل نیروهای مسلح در این مراسم گفت: چند سال پیش در جریان تجلیل از تعدادی از شهدا در مصلای تهران با یک مرد روس که به همراه همسر خود در آنجا حضور پیدا کرده بودند مواجه شدم. این فرد روس با اینکه مسلمان نبود اما ۴ جمله کلیدی و خیلی مهم را به من گفت. ایشان در جمله اول به من گفت: باز هم از این جوان‌ها تربیت کنید. دومین جمله‌اش این بود که اگر شهدا نبودند از دین خبری نبود. مهم اینجاست که مردم کشور سوسیالیستی شوروی ضد دین و با دین بیگانه بودند اما این پیرمرد می‌گفت اگر شهدا نبودند از دین خبری نبود! سردار باقرزاده در ادامه تصریح کرد: سومین جمله این بود که قدر شهدای خود را بدانید و جمله چهارم ایشان- که فکر می‌کنم همه ما الان به خاطر همین موضوع جمع شده‌ایم - این بود: تصور نکن اگر یک روزی تو این کار را کنار گذاشتی و ادامه ندادی این کار متوقف می‌شود! هزاران جوان ایرانی هستند که حاضرند به داخل میادین مین بروند اما پیکرهای شهدا را به خانواده‌های‌شان برسانند. من اینجا خدمت دوستان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و همین‌طور برادران عراقی این مطلب را عرض می‌کنم که شما روحیه باصلابت و مصمم خانواده‌های شهدای ما را مشاهده کردید که چطور در این مصیبت صابر و در این مسیر کاملا ثابت‌قدم‌هستند.

رویدادها

محمود پاک‌نیت: «پریا» در جامعه ما به ازا دارد

بازیگر سریال «پریا» با اشاره به مسائل و معضلات به تصویر کشیده در این سریال بیان کرد که «پریا» برای نخستین بار به این مسائل می‌پردازد اما تنها یک سریال برای فرهنگ‌سازی بعضی دغدغه‌ها کافی نیست. به گزارش مهر، محمود پاک‌نیت با اشاره به داستان و مسائل محوری سریال «پریا» گفت: مسائلی که در سریال «پریا» می‌گذرد اتفاقاتی است که امروزه همه جوانان و خانواده‌ها با آنها دست به گریبان هستند و نوعی معضل شده است. وی ادامه داد: مساله اعتیاد، دورهمی جوانان که به راه‌های خطرناک کشیده می‌شود، تفریحات ناآگاهانه و... از مواردی است که خانواده‌ها دچارشان شده‌اند و متاسفانه پدر و مادرها زمانی متوجه اتفاقات پیش آمده می‌شوند که دیگر نمی‌توان کاری کرد. بازیگر سریال «پریا» با اشاره به بازخوردهایی که از این اثر داشته است، یادآور شد: کسانی که تاکنون سریال را دیده‌اند از آن خوششان آمده و نخستین بار است که صداوسیما دست روی چنین مسائلی گذاشته است. از طرفی این لذتبخش است که سریالی ساخته می‌شود و مردم با آن همذات‌پنداری می‌کنند و خود و فرزندان‌شان آن را می‌بینند. اینها داستان‌هایی است که در جامعه ما به ازا دارد، به طور مثال حبیب و همسرش که از یکدیگر طلاق گرفته‌اند یا کودکانی که سرگردان هستند و همچنین مساله ازدواج ۲ پدر و مادری که همسرانشان را از دست داده‌اند و می‌خواهند زندگی مشترک تشکیل بدهند همه از مسائل جامعه امروز ماست.

■■■

پیامدهای مثبت حضور ۲ ارکستر در کنار هم از نگاه چکناواریان

رهبر میهمان ارکستر سمفونیک تهران می‌گوید حضور ۲ ارکستر در کنار هم می‌تواند پیامدهای مثبت و فوق‌العاده‌ای را در وجوه مختلف در پی داشته باشد. به گزارش فارس، لوریس چکناواریان، آهنگساز و رهبر مهمان ارکستر سمفونیک تهران درباره همکاری با ارکستر جوانان جهان گفت: به نظر من نوازندگان باید همیشه در سفر باشند و در این سفرها با گروه‌های مختلف همکاری داشته باشند. چکناواریان ادامه داد: به نظر من همکاری ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر جوانان جهان که در حقیقت گهواره موسیقی کلاسیک به شمار می‌روند در کنار هم حرکت کاملا موفق و خوبی را در پی داشته است. این آهنگساز در بخش دیگری از صحبت‌هایش به رپرتوار اجرایی خود در این کنسرت پرداخت و گفت: من در کنسرت شب دوم یعنی روز ۲۱ مردادماه روی صحنه خواهم رفت. در این برنامه سوئیت صدای عشق و «آرارات» را اجرا خواهم کرد.

■■■

مهران غفوریان: حجاب را دوست دارم

مهران غفوریان گفت: حجاب هیچ فردی قابل تمسخر نیست و پوششی است که مسلمانان دارند. من تنها با انتشار آن عکس اعلام کردم این طرح پیشنهادی من برای لباس جشن حافظ سال آینده است. به گزارش فارس، این بازیگر سینما و تلویزیون افزود: عکس منتشرشده در فضای مجازی در کنار یکی از دوستانم بود. یکی از دوستانم را که پسر بود با پتو پوشاندم و گفتم طرح پیشنهادی‌ام برای جشن حافظ سال ۹۶ پوششی اینگونه است، اصلاً قصدم تمسخر حجاب نبود، نه چنین کاری را می‌کنم و نه می‌توان حجاب را مسخره کرد. معتقدم حجاب مصونیت دارد. غفوریان با ابراز تأسف از اینکه برخی افراد در فضای مجازی هر حرفی را مطرح می‌کنند و درباره برخی موضوعات حتی پیرامون چادر و مانتو نیز نظر می‌دهند، گفت: موارد مطرح شده این روزها را قویاً رد می‌کنم، چرا که تهمت ناروایی است که بگویند مهران غفوریان حجاب را مسخره کرده است. خیر! مهران غفوریان از اینجا اعلام می‌دارد که حجاب را دوست دارد و نه با آن شوخی می‌کند و نه می‌شود شوخی کرد. وی با بیان اینکه همسرم تاکنون حتی دوست نداشت در آن جشن نیز عکس داشته باشد و عکسی نداشته، از این به بعد هم تصمیم دارد در محافلی که عکس گرفته می‌شود حضور نداشته باشد، گفت: من اگر شخصاً فضای مجازی را قبول داشتم، اینستاگرام و تلگرام شخصی می‌داشتم، اما عکاس در ثبت عکس می‌توانست دقت بیشتری کند تا عکس مناسبی ثبت کند، اما متأسفانه به جای اینکه محرم ما باشند و عکس مناسبی نشر دهند، عکس دم‌دستی خودشان را چاپ کردند. غفوریان در پایان ضمن اشاره به اینکه همسر من از خانواده‌ای است که حجاب‌شان درست است و چادر را برگزیده‌اند و هم مانتو و هم چادر برای من قابل احترام است، گفت: روز برگزاری جشن حافظ باد وزیدن گرفته بود، اما با تمام این تفاسیر کدام مرد راضی می‌شود همسرش با مانتویی باز در یک جمع حرکت کند.